

## آمریکا و ناتو مسبب اصلی بحران اوکراین

به علت نا همگونی رشد و فروکش قدرت‌ها در سیستم جهانی امپریالیسم و ناهمگونی درجه رشد، آگاهی و تشکیل توده‌های استثمار شونده و آزادیخواه، در شرایط متفاوت محل گریه تقابل نیروهای این سیستم نیز تغییر می‌کند. روزی کره شمالی است، روز دیگر سوریه، در زمانی دیگر اوکراین و... امروز اوکراین به گرمگاه تضادهای کمپ امپریالیسم تبدیل گردیده است. لذا فقط یک تحلیل واقعی از روند ماده‌ی در حرکت می‌تواند حقیقت را به ما بنمایاند.

ما در مقاله "اوکراین در چنگال تضادهای امپریالیستی" در نشریه کمون شماره ۸ پس از تحلیل نیروی واقعی اقتصادی سه ابرقدرت جهان و اتحادیه اروپا در مورد اوکراین، نوشتیم: «آمریکا به هیچ وجه قادر و مایل نیست به یک جنگ فرسایشی طولانی وارد شود زیرا کاملاً و سریع فرسوده می‌گردد و چین آن را به لحاظ اقتصادی و سیاسی از پا در می‌آورد. روسیه نیز مایل به درگیری نهایی با آمریکا نیست. زیرا در صورت تضعیف کامل آمریکا، دیگر نمی‌تواند در بین تضاد آمریکا و چین مانور دهد و شرایط مساعدی را برای رشد اقتصاد خود فراهم کند. و همین طور است موضع چین نسبت به دو ابر قدرت دیگر.»

این تحلیل با روند اوضاع کنونی انطباق کامل دارد:

امپریالیسم آمریکا بر مبنای خصلت ذاتی دولت‌های امپریالیستی و ضعف مفرط اقتصادی‌اش، متحد خود را دوباره تنها گذاشت. و بعد از ویتنام، سوریه، عراق و افغانستان دوباره فرار را بر قرار ترجیح داد و مخفی شد. این پوسیدگی درونی ساختار اقتصادی سیاسی آمریکا را هم متحدانش، هم رقبایش و هم اکثریت قاطع مردم جهان به عیان دیدند. متحدین آمریکا نیز جز خالی بندی و نعره‌های گلوگیر جز تحریم‌های بی ثبات و باثبات و قول گسیل اسلحه از دست مبارکشان کاری بر نیامد. به طوری که هیئت حاکمه فاشیست اوکراین را از زبان رئیس جمهور این کشور به اعتراض واداشت.

ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، صبح روز جمعه 25.2.2022 در پیام خود به اوکراینی‌ها یأس خود را نسبت به پشتیبانی کشورهای غربی آشکار ساخت و گفت «قدرتمندترین کشورهای جهان فقط از دور نظاره‌گرند... ما اکنون تنها از خود دفاع می‌کنیم.»

امپریالیسم روسیه در جریان لشکر کشی به اوکراین و تهاجم به مرکز آن تمایل خود را نیز به صلحی که منافع‌اش را تأمین کند ابراز نمود. به بیان دیگر این دولت امپریالیستی نیز در عین تلاش جهت گسترش مناطق نفوذ و منابع مالی خود، به لحاظ اقتصادی و سیاسی قادر به یک درگیری طولانی مدت نیست زیرا به تازگی اقتصادش را سر و سامان داده و از بحران‌های کمر شکن گذشته نجات یافته است.

چین دارای اقتصاد شکوفائی است و می‌تواند به جنگی دراز مدت داخل شود ولی اکنون لزوم و ضرورتی در این امر نمی‌بیند. او نیز مثل همه امپریالیست‌ها پشت متحد خود را خالی کرد. چین روز جمعه به وتوی پیش نویس قطعنامه شورای امنیت مبنی بر محکوم کردن تهاجم مسکو به اوکراین رای ممتنع داد. این اقدام زمانی صورت می‌گیرد که روسیه و چین پیش از آن به "اتحاد نا محدود" با یکدیگر صحنه گذاشته، میلیاردها دلار قرارداد گاز منعقد کرده و در مورد معضل اوکراین و تایوان موضع سیاسی متحدی را اتخاذ کرده بودند.

چین نیز همانند آمریکا پشت متحد خود را خالی کرد و در حالی که حق استقلال اوکراین را تأیید می‌کرد، کاملاً بی رنگ گفت: «نگرانی‌های روسیه درباره توسعه ناتو در شرق نیز باید مد نظر قرار گیرد.»

موضع و رفتار این سه ابر قدرت در تطابق کامل با تحلیل ما از آنهاست.

جنگ کنونی در اوکراین یک جنگ به تمام معنا امپریالیستی جهت تقسیم مجدد جهان است. جنگی نا عادلانه که فقط مردم بی دفاع اوکراین را می‌کشد، در بند می‌کشد و آواره می‌کند. در عین حال با انگیزه این جنگ امپریالیستی تمام مردم زحمتکش جهان را چپاول می‌نمایند و به میادین جنگ میکشانند. جنگ روسیه امپریالیستی با فاشیست‌های حاکم در اوکراین از دو سو جنگی نا عادلانه است. تهاجم ناتو به شرق یک تهاجم امپریالیستی نا عادلانه است. کودتای آمریکا و

روی کار آمدن فاشیست‌ها در اوکراین یک امر ناعادلانه بود. این فاشیست‌ها بعد از کودتای ۲۰۱۵ هزاران نفر از مبارزین، کمونیست‌ها و افراد معترض به جنایات آن‌ها را کشتند و به هیچ کس رحم نکردند.

ما این جنگ امپریالیستی ناعادلانه را محکوم می‌کنیم و در کنار و در خدمت به مردم زحمتکش اوکراین ایستاده‌ایم. ولی قبول ناعادلانه بودن جنگ نباید ما را از تحلیل مشخص از روند این جنگ مشخص باز دارد.

بعد از به قدرت رسیدن سوسیال – امپریالیسم در اتحاد شوروی از سال ۱۹۵۳، بحران اقتصادی گسترده و عمیق سرمایه داری و در نتیجه ستم و استثمار طبقه کارگر و زحمتکشان بر کشور حاکم شد. تحت این شرایط ناسیونالیسم در ملی که در انقلاب اکتبر شرکت کرده و بخشی از اتحاد شوروی سوسیالیستی شده بودند و مللی که در بعد از جنگ جهانی دوم به صورت کشورهای سوسیال – دمکراتیک تحت رهبری مسکو شکل گرفته بودند، با سرعت و شدت بی سابقه‌ای رشد می‌کرد. با فروپاشی اقتصاد سرمایه‌داری در اتحاد شوروی و ناشی از آن گسترش بحران سیاسی در این منطقه وسیع، امکان گسست بسیاری از ملل از اتحاد شوروی فراهم آمد. در حله اول سه کشور لیتوانی، استونی و لتونی اعلام استقلال کردند و سپس کشورهای تابع مرکز سوسیال امپریالیستی روسیه یکی بعد از دیگری جدا شدند. سرمایه‌داری غرب نیز با نشان دادن باغ‌های بهشتی غرب به بورژوازی این ملل، این انفصال را تشدید و تسریع می‌کردند.

ناتو که یک اتحادیه نظامی و دست ساخت آمریکا جهت عقب راندن و محاصره کشورهای در گذشته سوسیالیستی و اکنون امپریالیستی مثل چین و روسیه می‌باشد، بعد از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۹ تشکیل گردید. ناتو با نشان دادن در باغ سبز جهان غرب و استفاده از ناسیونالیسم این ملل توانست بعضی از آن‌ها را که اتفاقاً در کنار و یا نزدیک روسیه قرار دارند، گام به گام در خود متشکل نماید. آمریکا توسط ناتو مرحله به مرحله محاصره روسیه را تکمیل کرد به طوری که کشورهای کوچک غرب روسیه به عضویت ناتو در آمدند: مثل کشور لیتوانی، استونی و لتونی، لتلند، استلند، لهستان، سلوواکی، رمانی و مجارستان و...

تنها کشورهایی که در این سمت روسیه عضو ناتو نیستند بلوروس و اوکراین می‌باشد. بلوروس متحد روسیه و اوکراین متحد و وابسته به غرب است. آمریکا تمام تلاش‌اش را به کار می‌برد که اوکراین را در ناتو متشکل سازد و بدین ترتیب محاصره روسیه را تکمیل نماید. در چنین صورتی موشک‌ها میانبرد ناتو با کلاهک‌های اتمی قادر می‌گردند مسکو را که در فاصله ۶۰۰ کیلومتری کیف واقع است بمباران کنند.

لذا اوکراین نقش حیاتی در زوال و یا تضمین امنیت روسیه دارد.

آمریکا و ناتو مصرانه در صدد هستند با عضویت اوکراین در ناتو پایگاه‌های نظامی خود را در منطقه استراتژیک روسیه قرار بدهند. روسیه برای هستی‌اش مبارزه می‌کند و ناتو برای متلاشی کردن این کشور.

از دید ما آن نیروی متخاصمی که بنیان‌های مادی و سیاسی تهاجم روسیه به اوکراین را فراهم کرد، امپریالیسم آمریکا و اتحادیه دست ساخت‌اش – ناتو – می‌باشد. امروزه روسیه از سرزمین‌اش دفاع می‌کند و این دفاع از دید حقوق بین‌المللی محقانه است. اگر آمریکا و ناتو به روسیه تضمین می‌دادند که اوکراین را به عضویت ناتو در نیاورند، این جنگ برپا نمی‌شد.

این موضع در شرایط ویژه کنونی از مواضع ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی ما در اوضاع بین‌المللی نشأت می‌گیرد و مکمل آن است. کمونیست‌ها موظفند در عین پا فشاری بر مواضع ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی در سطح بین‌المللی تضادهای کمپ امپریالیستی را به درستی باز شناسند و امپریالیسم مهاجم را از امپریالیسم مدافع تشخیص دهند تا بتوانند تاکتیک‌های منطبق با واقعیتی را علیه هر دو امپریالیسم تنظیم نمایند و علیه آن‌ها مبارزه مؤثری را سازمان دهند.

مرگ بر امپریالیسم

دست روسیه، آمریکا، چین و ناتو از اوکراین کوتاه

زنده با همبستگی بین‌المللی

پیروز باد سوسیالیسم

نظم کمونیستی

17.12.1400

